پژوهشگر و سرپرست گروه «زندگی مازندران» مطرح کرد:

«تشت» در مازندران ساز محسوب می‌شود

■ علی حسن‌نژاد می‌گوید: ما به انطباق نیاز داریم. اگر قرار باشد داشته‌های گذشته را فقط حفظ کنیم و اگر بخواهیم در حوزه فرهنگ عامه و زبان هرچیزی را حفظ کنیم فاسد می‌شود و از بین خواهد رفت. برخی در اینگونه موارد از عباراتی چون تحریف و تاثیر استفاده می‌کنند اما من نام آن را تغییر می‌گذارم؛ یعنی تغییر بر اساس نیاز.

گروه فرهنگ و هنر –علی حسن‌نژاد یکی از فعالان و پژوهشگران فرهنگ عامه است که با تشکیل گروه «زندگی مازندران» تلاش دارد به زبان موسیقی؛ فرهنگ، آیین‌ها، رقص‌ها و مراسم مربوط با زندگی عامه مردم را زنده نگه دارد و با جذب نوجوانان و جوانان آنها را با گذشته خود پیوند دهد.

وی می‌گوید: زمانی برای پرداختن به رقص همواره فضایی بسته و هراس وجود داشت اما حال این هراس از میان مسئولان برداشته شده و فضا برای گردآوری رقص‌های آیینی مهیا شده است. جالب اینکه بسیاری از افراد شهری و تحصیل‌کرده از سراسر کشور متقاضی یادگیری رقص‌های آیینی هستند تا جایی که می‌توان گفت رقص‌های آیینی جای خود را در میان مردم پیدا کرده است.

گروه آیینی، فرهنگی «زندگی مازندران» در شرایط فعلی که با بحران بیماری کرونا مواجهیم به چه فعالیت‌هایی مشغول است و مازندران طی روزها و ماه‌های اخیر چه وضعیتی دارد؟

من و اعضای گروه با رعایت دقیق و شدید دستورالعمل‌های بهداشتی تمرین می‌کنیم. البته تمرینات ما پس از ماه مبارک رمضان آغاز شد و پیش از آن تمرین نداشتیم. درباره وضعیت مازندران در رابطه با بیماری کرونا نیز من مرجع آمار نیستم اما به صورت عمومی گفته می‌شود در مرز هشدار قرار داریم.

گروه ما با نام قبلی «زندگی سوادکوه» سال ۱۳۸۰ با هدف بازسازی آیین‌های شاد و نمایشی مازندران تشکیل شده و در این رابطه آنچه بیشتر برایمان اهمیت داشته، انتقال مفاهیم عملی آیین‌ها به کودکان و نوجوانان بوده است. هدف دیگرمان این بوده که در کنار سازهای رسمی، هر آنچه را که می‌تواند در زندگی موسیقی داشته باشد، بکار بگیریم. قصدمان این است با خط و مشی مشخص و منطقی به آیین‌های منطقه‌مان بپردازیم؛ نه اینکه آشی شلم شوربا بپزیم و به مخاطبان ارائه دهیم. ما به دنبال این موضوع هستیم که بدانیم ابزارها تا چه حد می‌توانند به آهنگین کردن زندگی کمک کنند.

پس بنا به همین دلایل نام گروه را «زندگی مازندران» گذاشته‌اید؟

تلاشمان این است از زندگی و آواها و صداهای آن بهره ببریم و از این جهت نام گروه را «زندگی مازندران» گذاشته‌ایم.

در میان ابزارهایی که می‌گویید کدام‌ها از بقیه شناخته شده‌تر و مرسوم‌ترهستند؟

ما در مازندران ابزاری داریم که به نوعی ساز محسوب می‌شود. آن ابزار لگن نام دارد که در شکل عمومی از آن به عنوان تشت یاد می‌شود. لگن ریتم‌های خوبی دارد و سال ۱۳۹۵ دو نفر از اعضای گروه «زندگی مازندران» که یکی از آنها مادرم بود به عنوان نوازنده در جشنواره «چایکفوسکی» روسیه حضور یافتند و این ساز را ثبت کردند.

لگن در واقع یکی از ابزارهای اصلی زندگی بومی مازندران است. این ابزار در زمان شادی کاربرد دیگری پیدا می‌کند و به عنوان یک ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ابزار که در زندگی معمولی خانواده‌ها کاربرد دارد زمانی که به عنوان ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد نوعی ساز کوبه‌ای محسوب می‌شود زیرا نوازنده باید با دو دست به صورت ریتمیک آن را به صدا درآورد. معمولا بانوان قدیمی مازندارانی مهارت خوبی در نواختن و اجرای ریتم‌ها با لگن دارند. به اضافه اینکه با قرار دادن یک ظرف کوچک مانند نعلبکی روی لگن افکت‌هایی نیز توسط این ساز ایجاد می‌شود.

اعضای گروه «زندگی مازندران» را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟

یکی از اتفاقاتی که در سال‌های اولیه تشکیل گروه رخ داد، این بود که اعضای گروه را خانواده من تشکیل می‌دادند و بیشتر آنها خانم بودند. شاید چون خانم‌ها بخش عمده‌ای از موسیقی پنهان جامعه را می‌سازند، اما حضور آنها در فعالیت‌های اجتماعی نمود چندانی نداشت. به همین دلیل چنین انتخابی داشته‌ام و به این بخش از کارهای آیینی، نمایشی روی آورده‌ام تا به این ترتیب خانم‌ها بتوانند در این زمینه‌ها فعالیت کنند و لالایی مرثیه بخوانند و ساز بزنند و برقصند و البته اینکه در بخش‌هایی از برنامه‌های‌مان از موسیقی دیگر نواحی، برای خانم‌های مسن بهره برده‌ایم تا بگوییم موسیقی حرکت می‌کند و جریان دارد و پخش می‌شود و جذب می‌شود، حتی اگر در روستایی دورافتاده زندگی کنیم و سواد خواندن و نوشتن نداشته باشیم.

شما در زمینه اجرای رقص‌های مازندرانی نیز فعال هستید. در اینباره نیز توضیح دهید.

یکی از کارهای سختی که در دوران گذشته داشتیم این بود که بتوانیم رقص‌های مازندرانی را جا بیندازیم.

استان مازندران علاوه بر آیین‌ها و رقص‌ها کارآواهای بسیاری نیز دارد. به نظر می‌رسد طی سال‌ها و دهه‌های اخیر کمتر به این مقولات پرداخته شده است.

نظرم این است که پژوهشگران خوبی (بخصوص در بخش فرهنگ عامه) در این حوزه کار کرده‌اند و به اندازه کافی به موضوعات مذکور پرداخته شده است. اما خب رقص، کمی با دیگر موضوعات متفاوت است، زیرا مقوله‌ای ممنوع بوده و درباره آن پژوهش‌های علنی و کارهای تجربی کمتری صورت گرفته و کارگاه‌های کمی در این زمینه برگزار شده است. به هرحال برای پرداختن به رقص همواره فضایی بسته و مقداری هراس وجود داشته است. حال این هراس میان مسئولان برداشته شده و فضا مهیا شده است. جالب اینکه متقاضیانی داریم که به یادگیری رقص علاقه دارند و جالب‌تر اینکه اغلب آن افراد شهری و تحصیل کرده هستند. آنها برای شادمانی خانواده خودشان در کنار سرگرمی‌های دیگر به رقص‌های محلی نیاز دارند.

این علاقه و اشتیاق نوید بخش اتفاقات خوبی است و حال می‌توان گفت مقوله رقص نسبت به پانزده، بیست سال جای خود را در میان مردم پیدا کرده و اصطلاحا جا افتاده است. این اتفاق مثبت حاصل تلاشی همگانی است.

در میان صحبت‌هایتان از شهری شدن آیین رقص‌های بومی گفتید. این اتفاق درمورد رسوم و آداب موسیقی‌محور منطقه نیز افتاده است؟

بله. اتفاقا یکی از رسالت‌هایمان این بوده که موسیقی، آیین‌های بومی، همچنین سازهای بومی از جمله لگن، نقاره دوسر کوتن خودمان را به بچه‌های شهری آموزش دهیم و بخش عمده‌ای از آنچه در این‌باره می‌بینید حاصل تلاش بچه‌هایی است که در شهر به دنیا آمده‌اند و دو، سه نسل پیش از آنها در روستا زندگی می‌کرده‌اند.

اینکه به شهری کردن آیین‌ها توجه دارید اتفاق خوبی است زیرا به گسترش آداب و سنن می‌انجامد و باعث بقای موسیقی و آداب و رسوم منطقه خواهد شد.

بله و حال می‌توان گفت شهری‌ها به حفظ و حراست فرهنگ و آیین‌های بومی کمک بسیاری می‌کنند و در این زمینه سهم بسیاری دارند. اینکه بسیاری از آیین‌ها را برای برقراری ارتباط و گستردگی آن شهری و صحنه‌ای کنیم هوشمندی می‌خواهد و اهالی شهر فهم خوبی در انتخاب سازها و موسیقی بومی منطقه دارند.

درباره برخی رقص‌های محلی و آیینی و تنوع‌های موجود نیز توضیح هستید.

رقص هنر زاینده‌ای است و به یقین اگر این ویژگی نباشد خلاقیت‌های فردی افراد اجرا کننده و آنهایی که این حرکات را مدیریت می‌کنند و آنها را آموزش می‌دهند به بن بست خواهد رسید. به هرحال هر شیوه این حرکات بومی مربوط به ادوار مختلف و زاییده رفتارهای اجتماعی مردم آن مقطع است. اگر بخواهیم از رقص به عنوان هنر استفاده کنیم خیلی نباید به این موضوع پایبند باشیم که مثلا مردم طی چهل، پنجاه سال پیش، یا حتی یک قرن گذشته چگونه می‌رقصیده‌اند. این زاینده‌گی باید در رفتارها و تکرارها وجود داشته باشد تا آن رقص‌ها تحت عنوان رقص‌های بومی منطقه ماندگار شوند. خداراشکر در استان مازندران آن زاینده‌گی لازم وجود دارد.

شما و اعضای گروه‌تان در زمینه طراحی رقص‌ها چه تلاش‌هایی داشته‌اید و آن زحمات چه بازخوردهایی داشته است؟

ما در گروه‌مان فرم‌هایی را ابداع و طراحی کرده‌ایم و با وجود آنکه گروهی رسمی هستیم و رسانه داریم، تلاش‌های چند ساله ما فراگیر نشد.

درباره یکی از این حرکات آیینی مطرح در منطقه مازندران و ویژگی‌هایش توضیح دهید.

ببینید، رقص‌هایی فراگیر شده و حتی مرزهای مازندران را درنوردیده که زاده خلاقیت‌های فردی عده‌ای از جوانان بوده است. آن جوانان هرگز قصد نوآوری در حوزه رقص‌ها را نداشته‌اند، بلکه آن ذات و نیاز در جاهای مختلف دست به دست هم داده‌اند که رقص شکل بگیرد. اما از آنجایی که جامعه به نوآوری نیاز داشته به شدت در منطقه جا افتاده و حتی از مازندران نیز فراتر رفته و به عنوان رقصی اصیل جایگاه خود را پیدا می‌کند. این رقص «تک دست» نام دارد. البته تمام حرکات تک دست را در آیین کرب‌زنی مازندران داریم، بنابراین می‌توان گفت رقص «تک دست» با سرور سوگ مراسم کرب‌زنی بیگانه نیست. اما گسترش و شناساندن چنین رقصی هوشمندی می‌خواهد که در عده‌ای از گمنام‌ها وجود داشته و آنها بوده‌اند که ثبت و ضبطش کرده‌اند. از طرفی یکی از ابزارهای تکنولوژی به نام موبایل باعث شد این رقص از حوزه رفتارهای خصوصی فراتر رود و به سرعت مورد پذیرش واقع شود و به سرعت صاحب موسیقی شود. اگر چه ایراد کار اینجاست که آن موسیقی که رقص «تک دست» را پشتیبانی می‌کند بیشتر جنوبی است. یعنی بخشی از موسیقی جنوب است که مازندرانیزه شده و حال و هوای مازندرانی به خود گرفته است.

موسیقی که می‌گویید مربوط به کدام منطقه از جنوب کشور است؟

می‌توان گفت آن موسیقی بندری است و ریتمی بندری دارد که شاید آن ریتم‌ها به ریتم‌های مازندرانی نزدیک باشند. با طی این اتفاق کلام مازندرانی را با آواهای بندری می‌شنویم. تحلیلم این است که احساس شدید به نوآوری در موسیقی (چه در کلام و چه در ساز و چه در تنظیم) بسیاری را به هر روش جدید متمایل می‌کند، که این تمایل حتی در آنهایی که با مقولات مختلف مرتبط آشنایی ندارند نیز وجود دارد.

شاید دلیل استفاده از موسیقی جنوب تشابهات و مشترکات جغرافیایی و اقلیمی است. مثلا اینکه هر دو استان در مجاورت دریا هستند.

با نظرتان موافق نیستم. به این دلیل که متاسفانه مازندران موسیقی دریایی ندارد. من در اینباره پژوهش‌های بسیار کرده‌ام. بله طی این سال‌ها برای دریا موسیقی ساخته شده است، اما نه مانند جنوب که برای مشاغل دریایی موسیقی دارند. علتش این است که در مازندران، اغلب آنهایی که نزدیک به دریا زندگی می‌کنند اهل کوه هستند و دامدار بوده‌اند. آنها به دلیل عدم یک جانشینی صاحب موسیقی نیز نبوده‌اند و زمانی که یکجانشین شده‌اند نیز به ساخت موسیقی نپرداخته‌اند. آواز می‌خوانده‌اند اما اینکه موسیقی بسازند خیر اینگونه نبوده است. حتی در زمینه کارآواهای دریایی نیز دچار کمبود هستیم. البته کارآواهایی وجود دارد اما نمی‌توان نام آنها را کارآواهای مازندرانی گذاشت.

از تنوع رقص‌های مازندران بگویید.

ما در مازندران آیین‌های محلی رقص را در قالب مردانه و زنانه داریم. رقص چوب، رقص دهل، رقص لوچو و رقص تبر برخی از رقص‌های مازندران هستند. در میان رقص‌های زنانه، رقص‌های چکی و سه چکی داریم. چکه به معنای دست زدن است. به عنوان مثال «سه چکه سما» یکی از رقص‌های مرسوم است و منظور از واژه سه، نوعی ریتم دست زدن است که در مازنداران معروف است. جالب اینکه اسم این رقص از اسم ریتم آن گرفته شده است. اینکه از طریق پیوند رقص و موسیقی، رقصی با شخصیت مستقل ایجاد شود اتفاق مورد توجهی است که در نقاط دیگر دنیا نیز وجود دارد. به طور کلی رقص‌های شادمانه مربوط به آیین‌های عروسی با اسم ریتم‌های ما در ارتباط است. برخی از رقص‌هایمان نیز با نام سازها ارتباط دارند. مثلا «لاکسری سما» یکی از رقص‌هاست. لاکسر به تشت‌ها یا لگن‌های چوبی گفته می‌شود که پیش از روی و مس ریتم‌ها را تامین می‌کرده‌اند. به طور کلی تنوع در رقص‌ها بسیار است. در مبحث کار رقص چوپانی داریم. «بینج سم» نیز رقص دیگری است که در زبان فارسی رقص برنج معنا می‌شود. این را هم بگویم که برخی از رقص‌هایی که تحت عنوان رقص کار شناخته می‌شوند نوعی کلاه شرعی برای اجرا به حساب می‌آیند، مانند رقص جارو و رقص چوب. می‌توان گفت شرایط سیاسی و اجتماعی چنین اسم‌هایی را به وجود آورده است که طبیعاً پس از مدتی نیز جا افتاده‌اند. طی این سال‌ها رقص‌های دیگری نیز ساخته شده‌اند که برخی از آنها به نام نیاز شناخته می‌شوند.

آیا رقص‌های قدیمی مازندران طی این سال‌ها بر اساس نحوه زندگی مردم مورد تحریف قرار نگرفته‌اند؟

من به هیچ‌وجه با تحریف موافق نیستم بلکه به شدت با تغییر و انطباق موافقم. به هرحال رقص و ساز وجود داشته‌اند و همان ریتم‌های سرنا مثلا زیر مجموعه کیبورد قرار گرفته‌اند. ما به انطباق نیاز داریم و اگر قرار باشد داشته‌های گذشته را فقط حفظ کنیم از میان خواهند رفت. کلا اگر بخواهیم در حوزه فرهنگ عامه و زبان هرچیزی را حفظ کنیم فاسد می‌شود و از بین خواهد رفت. برخی در اینگونه موارد از عباراتی چون تحریف و تاثیر استفاده می‌کنند اما من نام آن را تغییر می‌گذارم؛ یعنی تغییر بر اساس نیاز.

و باید بگویم در حال حاضر بسیاری از گروه‌های مازندرانی به جذب کودکان می‌پردازند که اتفاق خوبی است. البته برخی از آنها برای جوری جنس به سراغ کودکان و نوجوانان می‌روند که مثلا هم‌خوانی داشته باشند. اما در کل کشش در میان کودکان و نوجوانان نسبت به قبل بیشتر شده است. نمی‌گویم این اتفاق بسیار چشم‌گیر است اما نسبت به آنچه که وجود نداشت اتفاقی چشم‌گیر محسوب می‌شود.

«در سلوک صبح» شنیدنی شد

گروه فرهنگ و هنر – آلبوم «در سلوک صبح» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شده در بازار موسیقی است که به آهنگسازی صیاد محمدی در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

«در سلوک صبح» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شده در فرآیند فروش محصولات موسیقایی است که به آهنگسازی صیاد محمدی توسط نشر «نغمه هزار دستان» شنیدنی شد.

صیاد محمدی از جمله هنرمندان جوان موسیقی کشورمان است که در حوزه دکترای داروسازی مشغول به فعالیت است.

او علاوه‌بر حضور در این حوزه در موسیقی نیز به فعالیت مشغول است که در این زمینه با استادانی چون علی اکبر مرادی، هوشنگ کامکار، محسن الهامیان و حیدر کاکی به فراگیری موسیقی ایرانی پرداخته است.

صیاد محمدی آهنگساز و نوازنده تنبور، مصباح قمصری تنظیم باس و نوازنده بم کمان، حسین رضایی‌نیا نوازنده دف، درشن آنند نوازنده تبلا، صادق نوری و مصباح قمصری صدابرداران، صادق نوری میکس، مسترینگ و نظارت بر ضبط، مینا طاهری طراحی جلد و گرافیست عوامل اجرایی این آلبوم را تشکیل می‌دهند.

در توضیح این آلبوم آمده است: «آلبوم در سلوک صبح شامل ۱۳ آهنگ بی کلام در سبک موسیقی مقامی است. قطعات این آلبوم شامل سه بخش در سلوک صبح (در مقام‌های سرترز و یاران و باطن)، مینایی (در مقام‌های گل و دره، سرخیوی، پیشروی پردیوری) و نیروانا و نور (در مقام ساروخانی) هستند. ساز محوری قطعات این آلبوم، تنبور است و حال و هوایی عرفانی دارند.

عناوین قطعات نیز از اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی و عنوان قطعه «تقدیر نامه» از مصرع حافظ وام گرفته شده است. آلبوم «در سلوک صبح» با مجوز شماره ۱۳۹۸ – ۵۵۷۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شماره واسپاری ۲۷۳۶۱ از کتابخانه ملی ایران در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

شعر

■ بتی کبیری

خواب

■ با هنرمندان جزیره

خواب کجا ؟!
چشمهای من کجا ؟!

درخواب ببینم
که تو می آیی

وقتی برایم خواب خوش
آرزو کردی
خواب خوش به چه کارم می آید

وقتی که اسیر بیداری
غمناکی شده ام

من هنوز که
هنوز است
خواب هایم نمی آیند

معرفی کتاب

«اثر مرکب»

نویسنده:
دارن هاردی
مترجمان:
علی خوروش
شیرین پرورش

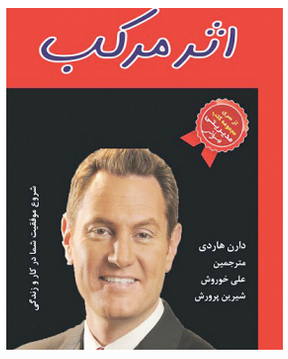

گروه فرهنگ و هنر – اثر مرکب نوشته دارن هاردی نویسنده و سخنران موفق آمریکایی و همچنین ناشر و دبیرتحریریه مجله موفقیت در آمریکا است. علی خوروش و شیرین پرورش این اثر را به فارسی بازگردانده‌اند.

درباره کتاب اثر مرکب

دارن هاردی نویسنده کتاب اثر مرکب، با تاکید به امید، تلاش و قدرت درونی انسان در مسیر پیشرفت، تکنیک‌های کاربردی را برای طی کردن این مسیر در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد. هاردی اعتقاد دارد نخستین گام برای تغییر، آگاهی است. بنابراین برای شروع یک مسیر از انتخاب‌های خود مطمئن شوید. در مرحله بعد باید عادات و رفتار خوب که از آن با عنوان تکانش یاد می‌کند را در خودمان تقویت کنیم. دارن هاردی تاکید می‌کند که تغییرات افراطی ما را از مسیر اصلی خود دور می‌کند؛ بنابراین باید آهسته اما به‌صورت مداوم در مسیر پیشرفت، قدم برداریم.

خواندن کتاب اثر مرکب را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم؟

مطالعه کتاب اثر مرکب نوشته دارن هاردی را به افرادی که به دنبال کشف مسیر موفقیت هستند، پیشنهاد می‌کنیم.

معرفی کتاب

«۱۰۰ سال خردمندی»

نویسنده:
دارن هاردی
مترجم:
فریبا سبز چمنی

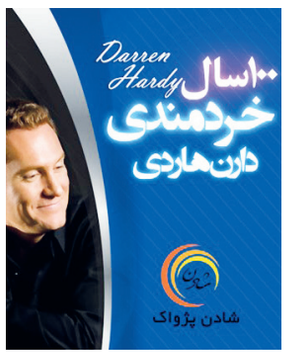

گروه فرهنگ و هنر –کتاب ۱۰۰ سال خردمندی اثر دارن هاردی یکی از نویسندگان برجسته حوزه موفقیت است.

درباره کتاب ۱۰۰ سال خردمندی

دارن هاردی در این کتاب می‌گوید تمامی سیستمهای موجود در هستی در نهایت توسط چند اصل ساده کنترل می‌شوند وقتی شما آن اصول ساده را درک کنید، در این صورت می‌توانید سیستم‌های پیچیده را بررسی و کنترل کنید و بر روی آنها تسلط پیدا کنید و برای کسب موفقیت فردی و سازمانی از آن بهره‌مند شوید. درهرکاری، تنها دو و یا سه نکته مهم و کلیدی وجود دارد. باید آن دو یا سه نکته را پیدا کنید و به آنها عمل کنید تا در انجامشان به مهارت کامل برسید. مردم فکر می‌کنند تمرکز یعنی بله گفتن به کارهایی که باید رویش تمرکز کنید. ولی مفهومش اصلا این نیست. یعنی نه نگفتن به صدها ایده‌ی خوب دیگر که وجود دارند.

خواندن کتاب ۱۰۰ سال خردمندی را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم

علاقه‌مندان به کتاب‌های حوزه موفقیت در زندگی و کسب‌وکار.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹